

نظر شخصیتهای مملکتی درمورد حوادث دور روز اخیر

فعالیت قطب زا برای آزادی لادوردی

* بک مقام مطلع از آشنایان
قطبزاده به خبرنگار ما گفت:
کریستین بورگ حقوقدان فرانسوی
که در دوران زیم سابق باتفاق
جندنفرار حقوقدانان بنی‌الملکی
برای آزادی زندمکان ایرانی که
در زیر سکنه‌های حلادان زیم
بوکرصفت پهلوی بودند بارها به
ایران آمدند و مددک کسی است که
توسط صادق قطبزاده برای فعالیت
در راه آزادی آقای لاجوردی
دادستان فعلی تهران ارزندان
ساواک به ایران فرستاده شد و
برای آزادی اوضاع ایالت کرد. جالب
است که حالاً توسعه همین آقای
لاجوردی حکم دستگیری و بازداشت
آقای قطبزاده آنهم برای شرکت
در یک برنامه بحث آزاد مادر
مشود.

A black and white portrait of an elderly man with white hair and glasses, wearing a suit and tie.

دکٹر یاد اللہ
سحابی

در مورد بازداشت فقط زاده جز تأسف حر في ندارم بگو يه

بـ دـكـ سـجـارـ نـظـر

ایران را در مورد بارداشت آقای قطبزاده جوا شدیم، ایستان گفتند حراطه هارناف حرف دیگری برای گفتن ندارم. آنها خود معتقد هستند که نلوبیون باید در اختیار سقوه باشد و بنواند هر نیرو سروی دیگر را موزد اتفاق فراریدهند. معدالک اینها عملی می کنند که کسی حق نداشته باشد در مسیر اسناد قرار بگیرد در پایان آرزو می کنم که خودتان متوجه بشوند و قطبزاده ۱۱، ۲۱

بروجرد - خبرگار انقلاب اسلامی
نماینده حبایت صدام کاوه در
مسجد امام حسینی بر جرجد افتتاح
شد اس نماینده که توسط جوانان
سلطان بر جرجد سکل شده شامل
عکس های از کسар مردم بیگانه
شهر های حبوب توسط مزدوران
معنی است این نماینده به شکل
ریسی سای شعارهایی از گزیده
سخنران رهبر کنتر انقلاب امام
حسینی و فرمانده کل قوا برئی
شده است نماینده مذکور مدت
یک هفته در مسجد امام حسینی

کار نامہ، ائس، حمہور

بیست و میگوید که شما بنویسید ده من برای معالجه باید به افغانستان
برو姆 چرا که اگر نتویسید مرا به حبشه خواهند برد و این آدم جقدر
دعای مکنی بود و غیره و غیره کرده و میکنم بماند این گونه
شخاص هم بپدا میشنوند، همانطور که بکار دیگر نیز گفتم حمام
متل طاووس می ماند و پای زست خود را نیز دارد و این گریزها و
حقیقیازیها، دور و کلکها و مانع تراشی ها و فرستطلی ها و دهها از
روشیاهی نجربی و منشیاهی ناجهیانه نیز بروز و ظهور میکند و جلوه
قیه رمان درست بدالیل همین ضعفها و زیبونی هاست و گرنه دیگر
حالی برای بروز جوهرهای پاک و نیرومند و تحلی غیرت و همت
و پهلوانی نمی ماند.

اشد را بحق جزو ارش بحساب آوریم ، امروز آن بخش فعال و جوان پرتلایش کشور در جنگ با دشمن است که هر روز بر شرکت‌کنندگان را این نبرد افزواده میشود . بنابراین بهمین دلیل هم هست که ما وجود جنگ رو به قوت میریمو و بر قوت ما افزوده میشود . ایران مروز کشوری است که بلاحظات مشارکت عمومی مردم در نبرد ، آنچه از میروند بعراط کمتر از چیزیست که جایگزین آن میشود . ما واسنتمام به یعنی مقاومت دلیران و با فدایکاری و ایثار نیروهای میتوی در برایر دشمن منحاور و به یعنی ضریبهدای کاری و هراس آور بروی هوایی و هوانیروز فرست بیاییم و نیروهای تازهای رآاماده بمرد کیم . در حقیقت وقتی دشمن خسته و فرسوده از جنگ زیست دده است ما تازه نفیسم و آماده کارزار . ایست آن دلیل من سرای مید به فرجام پیروز این جنگ تحملی کارازان ماست .

و آنها گفشد تا پیروزی به کمک و نلاش خودشان خواهند هزورد و در مقابل این روحیه‌ها کوسکوکسای نیز یاف میشوند که از اشتعال‌هایی ترس خودشان را در قالب شجاعت‌های معنوی از انسانیاتی غلامی می‌یوشنند . از جمله آنها سرگردی است که من جواهم از او نام بدم ، ای . شخص . ادعا کده که در جنگ کهور

بیشتر کنند و در این مسافت
چون سخنرانی‌های متعددی
پرای مردم در شهرهای
مختلف داشتم احساس شد که
قدر این شیوه میتواند برای
آنها اطمینان اور آرامش بخش
باشد و حتی اختلاف نظرهای
منطقی را برای مردم توجیه
کند و مردم هم مستقابلاً
میخواستند که مسئولان این
اختلاف نظرهای منطقی شان
و این خود با انجام گفتگو
صاخته و استدلال، حل کنند.

ست، پی میریم . رئیس جمهور اشاره به جنگ روانی - سیاسی میکند و
آنکه میدانیم که تنها ابزار مهم و اساسی یک جنگ روانی -
سیاسی ، تبلیغات است و وسیله تبلیغ نیز بطور اعم به
رسانه‌های گروهی ، رادیو، تلویزیون و
مطبوعات منتسب میشود و اگر جنگ روانی در حربیان باشد
معنی طرف مقابل برآنت است که از وسیع ترین و دوربردترین
وسیله تبلیغی تا که اهمیت ترین شان را به حطیه عمل خود
پنهانی گرداند و در مقابل ناتحا که برآش مقدور است
پنهانی وسائل را از دسترس طرف دیگر دور نگه دارد. در
ین رابطه رئیس جمهور میگوید :

اصل سی و دوم - هیچ کس را
نمی بوان دستگیر کرد مگر به
حکم و ترتیبی که قانون معنی
میکند در صورت بازداشت
موضوع اتهام باید با ذکر دلائل
بلافاظه کنایا به متهم ابلاغ و
تعهیم شود. حداقل طرف داد
۲۴ ساعت پرویده مقدماتی به
مراجع صالح قضائی ارسال و
خدمات محکمه در اسرع وقت
فرآهم گردد. سحلف از این
اصل طبق قانون مجازات
می شود.

- "اصل سی و پنجم - در همه
دادگاهها طرفین دعوی حق
دارند برای خود وکل انتخاب
نمایند و اگر توانانی انتخاب
وکل را داشته باشد باید برای
آنها امکانات تعیین وکل فراهم
گردد".

- "اصل سی و هفتم - اصل بر
بران است و هیچ کس از نظر
قانون محروم شایعه می شود
مگر آنکه حرم او در دادگاه
صالح نباشد گردد.

"اصل سی و نهم - هنگ حرمت
و حیثیت کسی که به حکم قانون
دستگیر، بازداشت، زندانی
یا تبعید شده به بھر صورت که باشد
ممنوع و موجب مجازات است .
در بیان اینچنانب محمد مبلغی
اسلامی شمارا بنونان دادستان
دادگاه انقلاب اسلامی مرکز که
حکم احصار اینچنان را صادر
نموده ایدیمیحت آزاد رمکان مدرسه
الشهداء (در رصورت اسماکان) واقع در
میدان شهداء دعوت میکنم
تا بالاراهه مدارک و اسناد قانونی
حقایق آخر هرچه بشتر برای
مردم روشن شود و تاریخ این
بحث را در روز سهشنبه ۲۰ آبان
ماه ساعت ۳ بعد از ظهر پیشنهاد
مینمایم .

محمد مبلغی اسلامی دادستان . . . از صفحه ۱

وجود دلائل تعقیب، حضور وکیل سلمیم برondه مشکله بمراجعت قضائی طرف ۲۴ ساعت) نمی-توانم خود را دست وبا بسته سلمیم کایانی نمایم که خود را به اجرای اصول قانونی موظف می-دانند.

- آری از اهانت و هنگ حینیت نگرانم، از بازداشت غیرقانونی بعدت نامعلوم وحشتمدارم، از نبودن بیطری و عدالت واقعی درهراسم، از عدم نظرات بر اجرای صحیح قوانین بینماکم، آیا مرجعی هست که اجرای حقوق مسلم یک فرد مظلوم را در جریان دادرسی تضمین نماید؟ در اصول نانون اساسی البته وجود داردولی در عمل جطور؟ من چه کردم که بدان نحو احصار شدم؟ آیا استفاده از حقوق مصروف در اصل ۱۷۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جرم است؟ آیا درخواست اجرای منطق صحیح اصل ۱۷۴ که عیناً نقل می-شود جرم است؟

"اصل یکصد و هفتاد و چهارم قانون اساسی": براساس حق نظرات قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور واجرای صحیح قوانین در دستگاههای اداری، سازمانی، بنام "سازمان بازرسی کل کشور" زیرنظر شورای عالی قضائی تشکیل میگردد. حدود اختیارات و وظائف این سازمان را قانون تعیین میکند.

- آیا درخواست اجرای اصل ۱۵۹ عباراً اقلایی است؟!

"اصل ۱۵۹": مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاهها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است.

برای استحضار دادستان محترم انقلاب تهران چند اصل از اصول قانون اساسی را عیناً نقل میکنم. امید است مورد نوجه قرار گیرد:

صبح امروز دکتر محمد مبلغی اسلامی مدیر سابق که دو تلویزیون و قائم - م سابق مدیریت عامل اوسیمای جمهوری اسلامی اران که از طرف دادستانی انقلاب به آن دادستانی خسار شده است طی ارسال به سرگشادهای ضمن اظهار الی بی در مورد غیرقانونی حق حکم بازداشت و عدم مینان از دادرسی قاسوی دستان تهران را به بحث د دعوت گرد.

حمد مبلغی اسلامی ضمن بیحیاتی در مورد اوضاع از انقلاب اسلامی ایران تظاهرات مردم از انقلاب ذمی با اشاره به حربیان تکریر و بازداشتهدای دو روز اخیر مبنیوسید:

دادستانی انقلاب نهنتها علت داشت قطبزاده را اعلام دهنده بلکه با همان روش غیر - ولی ایجاد نشان را وسیله آگهی جراید احصار کرده است. و به بازداشت و احصار ناگهانی ماتسئول ملکتی که نهایغی مبتدا و نه فراری سونهای است نوع عدالت! آقایان که در دستانی انقلاب جریان دارد، جندی فعل اعلام جرمی تقدیم دستان محترم کل کشور نمودم در آن از قانون شکنی ها . . .

ده برداشتم. انتظار این بود طبقاً قانون به شکایتم در عوقت رسیدگی شود. ولی با بیت تعجب و تأسف مشاهده دم به های رسیدگی به خلافی بیها و تعقیب مجرمین، "شاكی" بدل به "متهم" شد و با هی احصار گردید. آیا با لطف صریح از اصول قانون اساسی و نفس حقوق مسلم پارشدهان (اعلام اتهام،

A black and white portrait of Sadeq Chubak, an Iranian actor. He is shown from the chest up, looking slightly to his left with a thoughtful expression. He has dark, wavy hair and a well-groomed mustache. He is wearing a light-colored dress shirt under a dark suit jacket and a patterned tie. The background is plain and light-colored.

رئیس جمهور
در چند جبهه؟!
تفسیر سیاسی

بسم الله الرحمن الرحيم

بدنبال پخش برنامه بحث آزاد از تلویزیون شیکمدوم و حوادثی که در دو روز گذشته در رابطه با این مسئله پیش آمد، این فکر در اذهان تقویت شد که سیاست داخلی ایران شاهد تحول دیگری پس از سخنرانی ۱۷ شهریور رئیس جمهور در میدان شهداء است. چون پی امدهای پخش این بحث که مربوط به وضع داخلی رادیو تلویزیون بود اصلاً با محتوای یک گزارش ساده هماهنگ نداشت و تعادلی در آنها دیده نمی‌شد. بدین معنی که آقای محمد مبلغی (اسلامی) که خود یک روحانی زاده است و سوابق بسیار طولانی در مبارزه با رژیم شاه و استقرار و اشاعه مقاهم اصیل اسلامی دارد، وجودی از یک سری سوءاستفاده‌های مالی و هم‌چنین گروه‌گرایی‌های متدالو جامعه را که در رادیو تلویزیون حربیان داشت گزارش کرد و آقای قطب زاده اولین مدیر آن سازمان نیز مشکلات و مسائلی را عنوان کرد که هیچ‌کدام از ذهن جامعه دور نیست و حتی می‌شود گفت که اطلاع تازه‌ای بر اطلاعات مردم نیافرود. اما عکس‌عمل‌ها شبیه همان عکس‌عمل‌هایی بود که پس از سخنرانی رئیس جمهور در میدان شهداء دیده شد و این خود این فکر را تقویت کرد که شاید اینها با هم بی ارتباط بیاوردند. در حالیکه آقای رئیس‌جمهور هم در مصاحبه دیرباز صبح خود بسیار می‌سوط تر و واضح‌تر و مشخص‌تر به آنها اشاره کرده است. اولین رئیس‌جمهور، جمهوری اسلامی ایران در حالیکه در کنار سربازان غیور می‌بینمند و در جبهه‌ها به فرماندهی سپاه اسلام مشغول است. به امام و مردم شکایت می‌کند که: "من نمی‌توانم در دو جبهه بجنگم، هم در جبهه‌ها با دشمن و هم در جبهه روانی سیاسی که عدمای در تهران کشده‌اند".

این جمله دواه استاریست بر اینده عدای او را تحت
فشار قرار داده‌اند و سعی میکنند یک جنگ روانی سیاسی را
از پشت جبهه به فرمانده کل قوا تحمیل کنند تا جائیکه در
جملات بعدی اشاره میکند:

“آنها نیکه سر نخ این جنگ را در دست دارند، همه
چیز را میدانند و آکاهانه این کار را به راه اندامانند
و به نظر من برای آنها پیروزی ما در جنگ ناگوارتر است تا
نه در”

بری شدم. و این برای مردم ما ناگوار است که اولین رئیس جمهور کشورشان که بحق نماینده و حافظ حیثیت جمهوری اسلامی ایران است اینچنانی از پشت جبهه مورد حملات شدید واقع شود و آها بی حیر بمانند. چرا چون از اول انقلاب تاکنون

آفای بینی صدر تنها راه محل حروج از بحرانهای ناسی از بید
دگرگونی اساسی را در سخن گفتن با مردم و اطلاع دادن
به آنها قرار داده است و معنقد است که اگر مردم از اعمال
و سیاستهای رهبرانشان مطلع نگردند، خود بخود از حرکت-
های سیاسی عقب می‌مانند، قدرت تجزیمو تحلیل را از
دست میدهند و در آنصورت زمانی که احتیاج میرم به یک
حرکت توده‌ای است، برای بسیج هیچ انگیزه‌ای در خود
نمی‌یابند چرا که ابهامات گوناگونی که از سیاستهای پشت
پرده عارضشان شده، مانع می‌شود. و در مرحله فراتر اینکه
اصلًا نسبت به سرنوشت کشورشان بی‌علاوه گشته و به رفاه
و زندگی مصرفی بازگشت بی‌نمایید.

و بهمین جهت او در مصحاباً هشدار میدهد که:
"حالاً من به آنها همین مقدار که کشورشان در موقعیت
شما نباید از آنها بگذرانند و اینکه اگر آنها باشون

حضریا می است و نمایند در این موقعیت حضرات و صعیبی را بوجود بیاورند که خدای ناگردد عواقبش غیرقابل جبران باشد هشدار میدهم : او مستقیما به اخلاق لکران هشدار میدهد اما غیرمستقیم به صدم اشاعت دارد که بدانند اگر اینها ادامه دهند

کشورشان و انقلاب اسلامیشان با خطر جبران نایاب دیری روبروست و در حای دیگر یک جای امیدواری میگذارد و میگوید: "...اطمینان به پیروزی هم داریم، اگر بگذارند و جنگ روانی - سیاسی برای بیاندارند، پیروز هم میشون . و بدین ترتیب دو سوی یک آینده را باز کرده و به مردمی که مستول زندگیشان و آینده اشان است، نشان میدهد که اگر اینها جنگ روانی سیاسی راه تیاندارند پیروز میشون

و اکر نه، حیر
توجه به این مصحابه، وجود رابطه مستقیمی را که بین
بحث آزاد تلویزیون شبکه دوم و مسائل جدی و اساسی و
سرنوشت ساز مملکت، حدس زده بودیم، تائید میکند و
آنچه بیشتر ما را مطمئن میکند، قسمت دیگری از مصحابه
رئیس جمهور است:

من نمیدانم که این آقایان در مصاحبه و گفتگوهایشان در تلویزیون چه گفته‌اند ولی بهر حال این را نمیدانم که در مسائل مربوط به جنگ، دادستان مقام تشخیص نیست، باید به او اعلام جرم شود و او بساید و به جرم رسیدگی کند والا عملًا بقیه فوای کشور تعطیل می‌شوند. و یک مقام پیشتر نمی‌ماند و آنهم مقام دادستان انقلاب تهران است که تشخیص بددهد و خودش هم قوه اجرائی داشته باشد و اجرا کند و این دخالت اشکار این آقایان است در کاری که به

این گفتار کاملاً نشان میدهد که عده‌ای علی‌رغم تقدیسی که برای قانون اساسی به ظاهرو قائل می‌شوند، هیچ‌گونه وقعی بر دوام و اجرای صحیح آن نمی‌گذارند و این معنی را که قوای سه‌گانه باید مستقل عمل نمایند و رئیس جمهور هم پس از رهبر مسئول هماهنگی این سه قوه است و اجرای صحیح قانون اساسی، مورد توجه قرار نمی‌دهند و ضمناً "به این حمله رئیس جمهور باید دقیق شد که: "پس معلوم است که دستی در کار است که همان جنگ درونی و سیاسی را برآه بیاندارند،" حال اگر دقت کنیم و به آنچه رئیس جمهور مان گفته است دقیق شویم و جزئیات دو روز گذشته را در ذهنمان مرور کنیم به اهمیت پخش این بحث آزاد و سکنی اش که محرك، اعمالی غیر متعادل با ظاهر یک بحث آزاد گردیده



قضاء إسلام

آیت‌الله محمدی گیلانی حاکم شرع تهران

قسمت هدفمند

نمایندگان افراط حوزه قضائی حاکم زیربار طاعنت

نخستین و در میان مردم منطقه قضاؤش سبک و بیوقا راست

جائز است دیگری را بجاوی وی منصب نموده و حاکم

موصوف را عزل نکند، زیرا نسب تاضی برای مصلحت

مسلمین است و فرض این است که غرض و مقصود بوسیله

حاکم دوم بهتر تحصیل میشود، پس مزعل قضائی برای دینامورت

جائز است ولی اگر دوی هیچ مزیتی بر اولی نداشتباشد

اقرب عدم جواز عزل است زیرا این عمل مایه اهانت و

خواهی برای بجز مغول است خصوصاً در مورثیه بجاوی وی

کسی را نسبت نکند ترجیمه و توضیح کلام شهد قدر.

ظاهرها ظریه دوم یعنی قول بعدم جواز عزل قضائی

بدون جهت نظر فقها جلس خبرگان را جلت نموده است

که در اصل یکصد و صوت و چهارم قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران چنین میتوانیم.

حقیقت را نمیتوانیم از قاعی که شاغل آنست بسدون

محاکمه و شوتوت مواجه باشند و شش جمهوری میگذرد.

موقت یا دائم منفصل کرد. با بدون رضای او محل خدمت

یا ستشن را تغییر داد مگر با تقاضای مصلحت جامعه متصوب

اعضاوی سورا عالی قضائی بااتفاق آراء.

فقطها عظام مجلس خبرگان دامت برگاتهم ظاهرا

ملحظه فرموده اند که دلیل بر حرمت عزل بدون سبب

ایدها قضائی و در موضوع تهمت قراردادن او است و این

دلیل ایجاد شامل تغییر محل خدمت و با است قضائی

نیز میشود لذا مقرر داشته باشد که تغییر محل و ستشن بدون

رضای وی جائز نیست و ال تعالی هاوایم.

ایا بر رحلت امام و رئیس مذهب، قضائی منعزل میشود؟

سؤال فوق با ذکر اینکه قضائی یا وکیل است و یا منصب قابل

تحلیل بدو سؤال است:

— انزال قضائی وکیل.

— انزال قضائی منصب

اما پاس سؤال اول آسان است زیرا جای هیچ در عین

نیست که این مگر امام و رئیس مذهب و کیل از جانب او در امر

قضاؤت یا تصرفات دیگر، منعزل میشود، زیرا با ووت وی اذان

او باطل میشود و اصولاً بطلان و کالت در همه وارد با مرگ

موکل مورد اتفاق اسطین مذهب است.

اما پاس پرسش دوم تا اندازه ای دشوار است و اعلام

فاقد است در این سلطه اختلاف نظر دارند، طائفه ای معتقدند

که با مرگ رئیس مذهب، شخص منصب از ناحیه وی جد در

که با مرگ رئیس مذهب و چه در غیر قضاؤت "مانند قیمت هفار و

دیوانگان و تولیت اوقاف" منعزل نمیشود و طائفه دیگر در همین

فرض، پانزال وی معتقدند.

طائفه اول، اندسته کرده اند که منصب از جانب فقهی

جامع الشرائط و متفقین با قاعی این مذهب، قدر

بسیار بحسب اتفاق و متفقین با قاعی این مذهب، قدر

نیز میشود لذا این مذهب از این مذهب متفقین با قاعی

که با مرگ رئیس مذهب، شخص منصب از ناحیه وی جد در

که با مرگ رئیس مذهب و چه در غیر قضاؤت "مانند قیمت هفار و

دیوانگان و تولیت اوقاف" منعزل نمیشود و طائفه دیگر در همین

فرض، پانزال وی معتقدند.

که با مرگ رئیس مذهب، شخص منصب از جانب فقهی

جامع الشرائط و متفقین با قاعی این مذهب، قدر

بسیار بحسب اتفاق و متفقین با قاعی این مذهب، قدر

نیز میشود لذا این مذهب از این مذهب متفقین با قاعی

که با مرگ رئیس مذهب، شخص منصب از ناحیه وی جد در

که با مرگ رئیس مذهب و چه در غیر قضاؤت "مانند قیمت هفار و

دیوانگان و تولیت اوقاف" منعزل نمیشود و طائفه دیگر در همین

فرض، پانزال وی معتقدند.

چنین میفرماید:

بلی بحث صورت خلیفه ایل بیت الله علیهم السلام در محبت احتجاد و تقلید

عروه‌والوثقی قول اول او را انتخاب فرموده و فیض نکته‌سنج

مرحوم آیة‌الله‌ای احیمیم قدن سره در شرح آن بیانی دارد که

نقل این با توضیح حکم‌خواری خالی از فائد نیست،

محتجه‌ی که بدیگری ولایت اعطای میکند، بدوصور است،

صور اول آنکه بمنصب از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه است

در این فرض ولایت منصب از شکوه و شاعر و لایت فقیه‌است و الراما

با مرگ فقیه، ولایت منصب منتفی است، زیرا پرتو و شاعر هر

چیزی بالغوره با این مذهب با قدران و خاموش شدن آنستی

که واسطه در گرم شدن آن بود حرارت از آب باز اندیز نمیشود

بدین نحو نیز نیابت منصب، همزمان با برگ فقیهی که واسطه

نیابت یو بوده، زائل نیکردد چنانکه وکیل و گلی که موکل باو

ازن در توکل داده است، بمنزل میشود.

طائفه دوم اندستله کرده اند که منصب از جانب رئیس

مذهب با مرگ رئیس مذهب منعزل است، زیرا ولایت وی شاعر

ولایت رئیس مذهب بوده است، اینهذا با غرب و ولایت رئیس

مذهب بزرگ، ولایت منصب نیز غرب و غربه منصب و متفق میشود

و هیچ فرقی بین وکیل و بین منصب نیست، همانطور که کالت

وکیل با مرگ موکل باطل است، ولایت منصب نیز با مرگ فقیه

جامع الشرائط و متفقین است.

فیض آیل بیت الله علیهم السلام در مبحث احتجاد و تقلید

عروه‌والوثقی قول اول او را انتخاب فرموده و فیض نکته‌سنج

مرحوم آیة‌الله‌ای احیمیم قدن سره در شرح آن بیانی دارد که

نقل این با توضیح حکم‌خواری خالی از فائد نیست،

محتجه‌ی که بدیگری ولایت اعطای میکند، بدوصور است،

صور اول آنکه بمنصب از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه است

در این فرض ولایت منصب از شکوه و شاعر و لایت فقیه‌است و الراما

با مرگ فقیه، ولایت منصب منتفی است، زیرا پرتو و شاعر هر

چیزی بالغوره با این مذهب با قدران و خاموش شدن آنستی

که واسطه در گرم شدن آن بود حرارت از آب باز اندیز نمیشود

بدین نحو نیز نیابت منصب، همزمان با برگ فقیهی که واسطه

نیابت یو بوده، زائل نیکردد چنانکه وکیل و گلی که موکل باو

ازن در توکل داده است، بمنزل میشود.

طائفه دوم اندستله کرده اند که منصب از جانب رئیس

مذهب با مرگ رئیس مذهب منعزل است، زیرا ولایت وی شاعر

ولایت رئیس مذهب بوده است، اینهذا با غرب و ولایت رئیس

مذهب بزرگ، ولایت منصب نیز غرب و غربه منصب و متفق میشود

و هیچ فرقی بین وکیل و بین منصب نیست، همانطور که کالت

وکیل با مرگ موکل باطل است، ولایت منصب نیز با مرگ فقیه

جامع الشرائط و متفقین است.

فیض آیل بیت الله علیهم السلام در مبحث احتجاد و تقلید

عروه‌والوثقی قول اول او را انتخاب فرموده و فیض نکته‌سنج

مرحوم آیة‌الله‌ای احیمیم قدن سره در شرح آن بیانی دارد که

نقل این با توضیح حکم‌خواری خالی از فائد نیست،

محتجه‌ی که بدیگری ولایت اعطای میکند، بدوصور است،

صور اول آنکه بمنصب از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه است

در این فرض ولایت منصب از شکوه و شاعر و لایت فقیه‌است و الراما

با مرگ فقیه، ولایت منصب منتفی است، زیرا پرتو و شاعر هر

چیزی بالغوره با این مذهب با قدران و خاموش شدن آنستی

که واسطه در گرم شدن آن بود حرارت از آب باز اندیز نمیشود

بدین نحو نیز نیابت منصب، همزمان با برگ فقیهی که واسطه

نیابت یو بوده، زائل نیکردد چنانکه وکیل و گلی که موکل باو

ازن در توکل داده است، بمنزل میشود.

طائفه دوم اندستله کرده اند که منصب از جانب رئیس

مذهب با مرگ رئیس مذهب منعزل است، زیرا ولایت وی شاعر

ولایت رئیس مذهب بوده است، اینهذا با غرب و ولایت رئیس

مذهب بزرگ، ولایت منصب نیز غرب و غربه منصب و متفق میشود

و هیچ فرقی بین وکیل و بین منصب نیست، همانطور که کالت

وکیل با مرگ موکل باطل است، ولایت منصب نیز با مرگ فقیه

جامع الشرائط و متفقین است.

فیض آیل بیت الله علیهم السلام در مبحث احتجاد و تقلید

عروه‌والوثقی قول اول او را انتخاب فرموده و فیض نکته‌سنج

مرحوم آیة‌الله‌ای احیمیم قدن سره در شرح آن بیانی دارد که

نقل این با توضیح حکم‌خواری خالی از فائد نیست،

محتجه‌ی که بدیگری ولایت اعطای میکند، بدوصور است،

صور اول آنکه بمنصب از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه است

در این فرض ولایت منصب از شکوه و شاعر و لایت فقیه‌است و الراما

با مرگ فقیه، ولایت منصب منتفی است، زیرا پرتو و شاعر هر

چیزی بالغوره با این مذهب با قدران و خاموش شدن آنستی

که واسطه در گرم شدن آن بود حرارت از آب باز اندیز نمیشود

بدین نحو نیز نیابت منصب، همزمان با برگ فقیهی که واسطه

نیابت یو بوده، زائل نیکردد چنانکه وکیل و گلی که موکل باو

ازن در توکل داده است، بمنزل میشود.

طائفه دوم اندستله کرده اند که منصب از جانب رئیس

مذهب با مرگ رئیس مذهب منعزل است، زیرا ولایت وی شاعر

ولایت رئیس مذهب بوده است، اینهذا با غرب و ولایت رئیس



نسانها بوجود آمده ولی مثل همان بذرها ضعیفاست و باید رشد داده شود. انقلاب فرهنگی هم در معنای صحیح همین است انقلاب فرهنگی این نیست که ما چیزهای را ز آسمان پیاویریم و وارد این جامده کیم، بلکه معنای درست آن اینست که ببینیم چیزهایی که در روند انقلاب بوجود آمده، آن خویها و خلقها و رفتار و ارزشهایی که بوجود آمده از چه طریق بیشتر میتوانند رشد پیدا کنند بنابراین باید بهاین مسئله سخت تکیه کیم یک مستهدی بگردد اینست که ما باید برای بوجود آوردن ضوابط مشخص در

انقلاب مهمترین مشخص بارز انقلاب می‌بینم و در خودش هم انقلاب را صادر کرده است. باین معنی انسانهای دنیا را به نیروهای درونی انسانها متوجه ه است. انسانهای دنیا را به اینکه ارزش زندگی است و زندگی بهر قیمت ارزشی ندارد بلکه باید کی توان با آزادی و شرف انسانی باشد متوجه کرده و در این حد واقعاً انقلاب را صادر نموده است در ارزشی‌های آنها و فکرهای آنها تغییر ایجاد کرده. اگر بخواهیم در مورد نقش منفی صحبت کنیم به من نمی‌گوییم نقش منفی بهتر است بگوئیم نقطهٔ آشناست پس او کار را بدست بگیرد. اگر بخواهیم به این مسائل برنگردد باید حکومت را به ضوابط و قانون انتقالی تکلف نموده باشند. تامنهای

و اصول حقوقی بدھیم تا تدبیت مفهوم مینیم باشد . مزبور مشخص باشد تا معلوم شود از انسانهای این جامعه چه چیز میخواهند همین . مسئولیتهای انسانهای این جامعه مشخص بشود تکلیفهای انسانهای این جامعه مشخص بشود و در مقابل آن حقوق انسانهای این جامعه و اختیارات انسانهای این جامعه مشخص شود . چیزی که ما الان کم داریم باز این مسئله است یعنی هنوز نرسیدهایم بهاین مسئله که جامعه خود را بسایرکه در این جامعه باید ضوابط و قانون حکومت پکند عادت بدھیم و همه هم دو برابر آن ضوابط و قانون از بزرگ و کوچک مساوی باشند حکومت باید حکومت قانون باشد این یک پایه دیگری است که باید در جامعه رشد بدھیم چون در جامعهای که روابط انسانها با هم مشخص نیست معلوم نیست انسان در چه مورد حق دارد و در چه مورد حق ندارد و از لحاظ حقوقی این جامعه دچار ابهامات زیادی است و زینه برای ظلم و ستم فراهم است زیرا انسانها نمیدانند حقوق و تکالیفشان چیست اتفاقاً "زنده" اسلامی، زندگی بروفق قوانین اسلام است و بدین جهت از اول مسئله قانونگذاری و اجتهاد در قوانین که همان فقه باشد در جامعه مسلمانان جای بسیار وسیعی برای خود

- عدّهای تصویر می‌گذند که بیقاً انتقال

رصدور انقلاب است، یا باید انقلاب
 قادر کرد تا بتواند انقلاب مانند که در
 ایران بوجود آمده بماند. من اینطور
 استنباط نمیکنم؛ بلکه معتقد هستم
 دوران انقلاب در صورتی ممکن است که
 انقلاب در داخل باقی بماند و این در
 صورتی است که محکم روی پای خودش
 شد و امتیازاتی نسبت به جوامع دیگر
 اشته باشد، در اقتصادش، در مقاومیت
 سانیش، در ارزشها یش، در سیاست
 اخلاقی و خارجیش.

— بارزترین نقطه ضعف که مانع صدور
 انقلاب مانده، اینست که به سبب
 ضعف سیاست خارجی مادرانه مدت
 یونگه از اول یک سیاست خارجی مشخص
 ندوین نمکدهایم، نتوانسته ایم در
 حننه‌های بین‌المللی همه حرقوها یمان
 بزنیم و این است که جلوی صدور
 انقلاب را در معنای صحیح‌اش گرفته
 است.

بعمل قصورها و نارسائیها نتوانستهایم در این مدت سال سختانمان را بدنیا بگوئیم و در محاذی از دنیا اهانی که انسانهای دنیا در صحندهای بین المللی صور دارند، نتوانستهایم بدروستی بفهمانم کارزشها معیارهایی که بدنبالش هستیم چه چیزهایی هستند که خلاصه به سبب ضعف سیاست خارجی ما در این ت و اینکه از اول یک سیاست خارجی مشخص را تدوین ردهایم نتوانستهایم در صحندهای بین المللی همه رفاهیمان را بزنیم و این یک نقطه ضعف بوده است که بیوی صدور انقلاب را در معنای صحیح اش میگرفته است که این را من بطور مثال گفتم و باین هم توجه دارم که کشور انقلاب کرده سیاست خارجیش بتدریج مشخص شود. چون باید دوست و دشمن را در صحندهای بین المللی شناسد و شناختن دوست و دشمن در صحنه بین المللی از لازم دارد. اما فکر میکنم اگر روی یک سلسله اصول فکر میکردیم و همانقدر که به مسائل داخلی اهمیت دیدیم با همان نسبت برای مسائل خارجی هم اهمیت کل بودیم و نمیگفتیم همین است و دنیا باید قبول کند، بلکه مقداری و افع گرا بودیم میتوانستیم اصولی مشخصی را به دنیا و کشورهای دوست و دشمن عرض کنیم تا بحال وضع ما در صحنه بین المللی خیلی بهتر این بود و ارزشها و ملاکهای ما هم در دنیا بیش از نهاد شناخته شده بود. الان هم تا دیر نشده باید باین مسئله پردازیم و بنشیتم با اطلاعات و آمار و برخوردهای در این مدت از دوست و دشمن دیدهایم بدون درنگ میتوانیم کلی سیاست خارجی خودمان را روشن کنیم و بدنیا میتوانیم .

سؤال - پیشنهاد عملی شما برای تحقق بخشیدن صدور انقلاب اسلامی ایران چیست ؟

جواب - من بطور کلی جواب این سوال را در بالا آدم ولی الان روی مسائل مشخصتری تکیه میکنم همانطور که گفتم ما باید یک نمونه بسازیم و یک جامعه را بسازیم که در داخل، این نمونه سازی است و در خارج همان نظمیم سیاست خارجی که عرض کردم ولی چیزهایی که بیشتر روی آن تکیه کرد اینست که ما باید برای زامده ادادن ارزشها را که در جامعه ما بوجود آمد هفظ نیم تمام کوشش خود را بکار ببریم تا آن جواندها

درهایی که در مسائل فرهنگی، (یعنی اینچه مربوط به تفکر و رفتار انسانها با یکدیگر میشود و در این انقلاب وجود آمده) مثل شهادت، گذشت از زندگی مرف خاطر دیگران، تحمل در برابر مصیبت و ساده زندگی ردن و مسائل دیگری از این قبیل که در انقلاب منده شده وجود آمده، رشد بدھیم.

بیرا ما در حال حاضر مثل باغبانی هستیم که بدر راز خاک گذاشته اما این بذر احتیاج به تربیت و رشد دارد. نور و حرارت و آب و رسیدگی دارد درست اسپ کیگوئیم در انقلابمان تغییرهای زیادی در فکر و رفتارها

ت و همینطور معنای دفاع را فراموش میکنند و باز دریگ

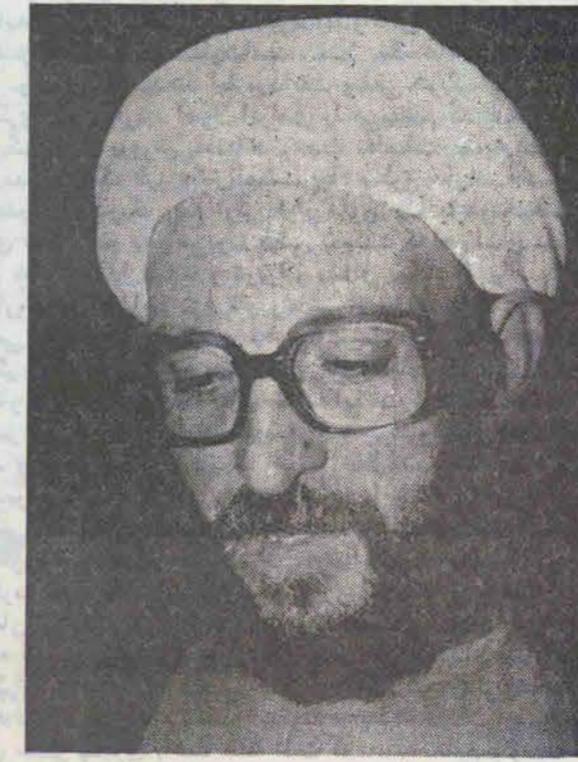
در دنباله سلسله مصحابه هائي گه در زمينه صدور انقلاب انجام داده و تاکنون به نظر خوانندگان گرامي رسانيده ايم، اگون نظرات آقاي مجتبه شبستري را که در پاسخ سوالات ما اظهار داشته اند به نظرتان ميرسانيم.

بسم الله الرحمن الرحيم

توجه نکیم بیشتر دچار میشویم اینست که ما تصویر میکنیم عده‌ای از خواهان و برادران ما تصور میکنند که صادر کردن انقلاب بمعنای حالت هجومی گرفتن نسبت بکشور-های دیگر وجود احتمال دیگر است، این نیست، این جامعه‌های دیگر را بیدار نمی‌کند، امام فرمودند صادر شدن انقلاب بمعنی بیدار شدن ملتهاست، بنابراین حالت هجومی گرفتن آنها ملتها را بیدار نمی‌کند بلکه ملتها را در برابر ما حساس میکند یعنی علیه ما تحریک میکند رژیم حاکم ملتها و از این حالت هجومی بهره‌برداری میکنند و ما را دشمن آن ملتها بحساب می‌ورند، ما را نسبت به آن ملتها متجاوز بحساب می‌ورند و ما را از آن ملتها جدا میکند. ما باید معنای صادر کردن انقلاب را همانطور که گفتم در این مقوله صدور انقلاب را تعریف نکنید و پایه‌های تئوریک و نظری آنرا بشکاید همچنین به نظر شما رابطه صدور انقلاب با بقای انقلاب چیست.

دوران قلاب

محمد مجتبی شبستری



متناسب سیاست خارجی، با انقلاب مایکنند که اگر مایکردن این انقلاب است. اینجور تصور میکنند که اگر مایک سیاست صحیح خارجی داشته باشیم و روابطمان را متناسب با ارزشها و معیارهای انقلابیان با کشورهای دیگر تنظیم بکنیم این صادر کردن انقلاب است، نه، این صادر کردن انقلاب نیست این باین معناست که جامعه‌ای که‌الان میخواهد با معیارهای حدیدی زندگی کند خواه ناخواه باید آن جامعه روپطشرا با دیگران بدرستی تنظیم بکند پس ما اگر به فکر مشخص کردن سیاست خارجیمان هستیم این به معنای صادر کردن انقلاب نیست من اینهارا باین جهت از هم تفکیک میکنم که آنهایی که اینهارا با هم مخلوط میکنند از تنظیم سیاست خارجی عاجز میشوند، چون در تنظیم سیاست خارجی حقاً مفهوم بیرون بردن این ارزشها یک نوع مداخله در کار دیگران یاک نوع سی اعتنایی به دیگران و اینطور چیزهایست باین جهت میکوید که در تنظیم سیاست خارجی باید حقاً باین فکر باشیم که ببینیم کجا جای پاشی میتوانیم باز بکنیم و این مانع از این میشود که بتواند یک سیاست خارجی قابل قبول در دنیا پیاده بکنند، بنابراین این دو مسئله باید کاملاً از هم تفکیک شود و همچنین صدور انقلاب به معنای مداخله در امور کشورهای دیگر که رژیم غلط دارند نیست ما از صدور انقلاب اینرا نمی‌فهمیم که برویم ببینیم کجا یک رژیم غلط وجود دارد و مداخلهای دروضع آنها بکنیم اخلالی در آنجا ایجاد کنیم و تصور بکنیم این صدور انقلاب است، نه، اینهم باز صدور انقلاب نیست. اگر در بعضی از کشورها گروهها یا جمیعتهای پیشرفته و متناسب یا تزدیک به آرمانهای انقلابی ما وجود دارند بدون اینکه امکانات را بستجم و بی آنکه بدانیم آیا در چهارچوب سیاست کلی خارجی که ما میخواهیم تنظیم بکنیم این عمل می‌گنجد یا نمی‌گنجد، کمک کردن به آنها نخستین هدف خود قرار بدھیم، ما باید متناسب با چهار چوب سیاست خارجی مشخص، وضعمان را در موضوع مسئله‌مداخله و یا عدم مداخله در امور داخلی کشورها تنظیم بکنیم نه اینکه بگوئیم اصلاً معنای تنظیم سیاست خارجی اینست که هرجا میتوانیم مداخله بکنیم. این دو فکر کاملاً متفاوت یکدیگر است و من طرز فکر اولی را صحیح بیدانم که البته وقتی کشوری سیاست خارجی اش را تنظیم میکند هم ارزشها و معیارها و امکاناتش را درنظر میگیرد و هم میزان قبول سیاست خارجی خود در دنیا بحساب می‌آورد یعنی عوامل متعددی را باید درنظر بگیرد. پس اینهم یک نکته در رابطه با مسئله صدور انقلاب است که می‌بایست از هم تفکیک شود. و همچنین دفاع از انقلاب وقتی مورد هجوم قرار می‌گیرد به معنای صادر کردن انقلاب نیست یعنی الان کشورها مورد هجوم قرار گرفته و با تمام توان باید از خودش دفاع بکند. ولی مسئله صادر کردن انقلاب را نباید با دفاع مخلوط بکنیم چون باز دفاع هم‌از ماهیتش بیرون میرود نه دفاعی واقع میشود و نه صدور انقلاب انجام میکردد بعضیها اینهارا هم با هم مخلوط میکنند و دجاج یک نوع عدم محاسبه صحیح در کار میشوند و آنچه را که لازمه دفاع



رادیو ایندندن

مادق قطب زاده عمو شورای انقلاب ایران و نخسین سرپرست رادیو ملوبیون آمن کشور که از نزدیکان آیت‌الله خمینی نیز می‌باشد دستکش شد. در بود دستکشی وی هنوز هیچ اتهام رسی اعلام نشده است که منشود که دستکشی او بخاطر سخنان تحریک‌آمیزش در نژادی پیرامون ۲ ابریان بوده است، او وقت اعتماد مردم ایران از رادیو تلویزیون سلب شده است و ساید مردم را ایله پندشت. این سخنان به سرپرسان و منصبان مذهبی، کوتایزیون زیرنظر دادنگران آمده موجب دستکشی او شد.

قطب زاده که در کذشته از مخالفان بنی صدر بود در حال حاضر از مخدان او می‌باشد.

قطب زاده جزء محدود افرادی بود که هزب جمهوری اسلامی ایران حله کرد. بود.

از طرفی مادق قطب زاده رابطه نزدیکی با آیت‌الله خمینی دارد. و این اثنای از هنگام تبعید هردو به خارج پیدا شده است.

بارگاه از سیاست‌داران از قبلی بنی صدر و پارکان ضداند. قطب زاده را از داده ساید. فطبتراده از کسانی بود که خواهان آزادی کروکاسها را بود. او خود نیز قابل موضع حزب جمهوری را داشته ولی سیس تغیر موضع داد.

در حال حاضر حزب جمهوری موضع خود را در قالب تروکانها ۱۸۰ درجه تغییر داده است و هوای از آزادی گروگاههاست.

فلا اگر کسی حرث آزادی گروگاهها را می‌زد این حرث او را می‌باشد.

این دستگاهی بودن می‌گرد.

است. تکه قابل توجه در سخنان اخبار این رادیو حبابت بازگان و پی‌صدر از قطب زاده است، تا آنجا که ماظلوم داریم و حقیقت نیز تکده بلکه وی از آزادی‌های طبیعی و قانونی مردم ایران دفاع کرده است.

رادیو آمریکا

رادیو صدای آمریکا رصد اخبار خود گفت موج نارامی ایران را فراگرفته است. این رادیو گفت با دستگیرندهن مادق قطب زاده بزیدت از صدر از بازداشت و اظهار ناک انتقاد نمود.

این الله منظری با ایت‌الله خمینی ملاقی نمود.

از آیت‌الله خمینی خواسته تد تا نی صدر را از فرمادنی قوا عزل کند.

پس صدر مگران آن است که مهدیون تندرو مانع از انتشار روزنامه‌گاتر اسلامی شوند.

در ایران در حال حاضر نداده دهدودی روزنامه وجود دارد که اکنون طردار حزب جمهوری اسلامی هستند.

طبتراده چندی پیش از ارتباط بین مذکوبین و توده‌ایها سخن گفت بود.

رادیو آمریکا مانند ملتفه‌ای خود را دروغ‌گویی که معده آشنا می‌باشد.

۱- اولاً سوچد بجان محدث‌الایمی شایعه سود و عن حقیقت است. ثانیاً اینسان عماون حقیقت را می‌داند.

۲- قائم مقام قاؤسی صدا و سیما بود.

۳- خبر جویل اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵- خبر گویی این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۱۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۲۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۳۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۴۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۵۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۶۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۲- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۳- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۴- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۵- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۶- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۷- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۸- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۷۹- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۸۰- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره فرماده که این اسلحه دیده داشت.

۸۱- این اعلان کردند که این اسلحه حفاره ف